



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۱۲۵		۱۲۵
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	ایران سالیانه ده تومان
جلسه پنجاه و یک	خواهد بود	۶ دوازده تومان
خرداد ماه ۱۳۰۹	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود	قیمت تک شماره
مطابق ۲۴ فرمجه	مطابق مجلس	یک قران
۱۳۶۸		

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه اول خرداد ماه ۱۳۰۹ (بیست و سوم ذی حجه ۱۳۴۸)

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) تقاضای اضافه اعتبار برای تعمیر مقبره فردوسی
- (۳) شور اول لایحه اصلاح امتیاز نامه بانک شاهنشاهی
- (۴) موافقت و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه را آقای موید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

نمایندگان - خیر

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

بعضی از نمایندگان - دستور

[ ۲ - شور اول لایحه اصلاح امتیاز نامه

بانك شاهنشاهی ]

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بضمیمه ۵

امتیاز نامه بانک قرائت میشود :

رئیس - آقای فرش

فرشی - قبل از دستور

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - قبل از دستور

رئیس - آقای وثوق

وثوق - قبل از دستور

رئیس - آقای زوار

زوار - قبل از دستور

مذاکرات مشروح یکصد و بیست و پنجمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

خبر کمیسیون اقتصاد ملی

کمیسیون اقتصاد ملی در تاریخ ۳۱ اردی بهشت با مشارکت کمیسیون محترم بودجه و آقای رئیس الوزراء آقای وزیر داخله لایحه نمره ۸۱۷۰ دولت راجع بالغای حق صدور اسکناس را مورد شور و مذاقه قرار داده و در نتیجه با توضیحاتی که آقای رئیس الوزراء بیان نمودند کمیسیون با مواد پیشنهادی عیناً موافقت و از آنجائیکه در مقدمه لایحه دولت توضیحات لازمه داده شده و البته از نظر مصالح مملکتی هم خود آقایان نمایندگان محترم لزوم چنین قرار دادی را تصدیق خواهند نمود محتاج توضیحات بیشتری غیر از آنچه در مقدمه لایحه ذکر شده است نمیداند و اینک مواد چهار گانه پیشنهادی دولت را عیناً برای تصویب تقدیم ساحت مجلس شورای ملی مینمایم

رئیس - خبر کمیسیون بودجه در این موضوع قرائت میشود

خبر کمیسیون بودجه :

کمیسیون بودجه در تاریخ ۳۱ اردی بهشت لایحه نمره ۸۱۷۰ دولت راجع بالغای حق صدور اسکناس مطرح و مورد شور و مذاقه قرار داده بالاخره با قسمت مالی آن اظهار موافقت و اینک راپورت آنرا تقدیم مینمایم  
رئیس - متن قرار داد قرائت میشود  
( بشرح انی قرائت شد )

ضمیمه نمره ۵ امتیاز نامه بانک شاهنشاهی

نظر بلزوم تناسب دادن شرایط امتیاز نامه بانک شاهنشاهی که در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ امضاء شده و پس از آن بواسطه ضمانتی بعداً تغییر یافته و تکمیل شده است با اوضاع جدید ایران و با ترقیات اقتصادی که بسبب این تغییر اوضاع صورت امکان پذیرفته و بالتبع نظر بلزوم تغییر شرایط امتیاز نامه برای نیل به تناسب مزبور دولت شاهنشاهی ایران که در این ضمیمه بعنوان ( دولت ) اسم برده میشود به نمایندگی

جناب اشرف آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء و وزیر مالیه و بانک شاهنشاهی ایران که در این ضمیمه ( بانک ) نامیده میشود بنمایندگی آقایان سید فریاد و راجس عضو هیئت مدیره و ادوارد ریلکسن رئیس کل بانک شاهنشاهی در مواد ذیل توافق نظر حاصل نمودند :

ماده ۱ - بانک از حق صدور اسکناس که منحصراً از طرف دولت باو واگذار شده بود صرف نظر میکند مسلم است که بانک عهده دار است که در تحت نظارت کمیسیون عالی دولت و تا موعدیکه باید بین دولت و بانک معین شود ولی نباید دیرتر از بیستم ژوئن ۱۹۳۱ ( آخر خرداد ۱۳۱۰ ) باشد وجه کلیه اسکناسهای صادره خود را تادیه نماید پس از انقضاء موعده مذکور بانک وجه اسکناسهایی را که برای تبدیل به بانک مسترد نشده باشد بدولت خواهد پرداخت  
ماده ۲ - در نتیجه ماده قبل :

اولاً پس از اینکه بانک تادیه قیمت اسکناسهای صادره را در تحت نظارت کمیسیون عالی دولت انجام داد دولت از حقی که دارد که بتوسط کمیسیون عالی خود نسبت به بانک اجرای تفتیش حاصل بنماید صرف نظر میکند شغل کمیسیون عالی منحل شده و مبلغی که بانک بعنوان حقوق مشارالیه بدولت تادیه مینمورد دیگر بر عهده بانک نخواهد بود

ثانیاً - از تاریخ اعتبار یافتن این ضمیمه تادیه حق الامتیاز بانک که عبارت از صدی شش عایدات خالص سالیانه بوده و بر طبق شرایط امتیاز بانک بدولت پرداخته شود از عهده بانک ساقط خواهد شد ثالثاً - برای جبران انصراف بانک از حق صدور اسکناس دولت در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۱ مبلغ دویت هزار لیره پول نقد در لندن به بانک تادیه خواهد نمود رابعاً - دولت به بانک اجازه میدهد که در معاملات خود املاک غیر منقول را بوثیقه قبول کند و برای وصول طلب خود املاک وثیقه گذارده شده

بنام نمایندگی ولی این مالکیت موقتی بوده و نباید از یکسال تجاوز نماید  
ماده ۳ - هر نوع اختلافی که بین دولت و بانک بروز کند و بین خودشان بجنوشی حل نشود بتقاضای هر يك از طرفین به حکمیت مراجعه خواهد شد طرز حکمیت بشرح ذیل خواهد بود :

هر يك از طرفین در ظرف مدتی که از سه ماه بپایند تجاوز کند حکم خود را معین خواهد نمود طرفیکه در ظرف این مدت حکم خود را معین نمود در حکم این خواهد بود که حکم طرف مقابل البتوان حکم واحد قبول کرده است

حکمین بما به الاختلاف رسیدگی کرده و مکلف خواهند بود که آنرا در ظرف مدتی که از سه ماه تجاوز کند رفع نمایند و در صورت عدم توافق هر طرف مدت فوق حکمین در مدتیکه از يك ماه تجاوز کند برای تعیین حکم ثالثی موافقت خواهند کرد و حکم ثالث مزبور به حکمین ضمیمه حکمیت را تشکیل میدهند و محکمه مزبور کثرت آراء حکم خواهد کرد

در صورت عدم توافق نظر حکمین در مدت مذکور فوق در باب حکم ثالث طرف مقدم از رئیس مؤسسه قضایی و مالی جامعه ملل تقاضا خواهد کرد که حکم ثالث را معین بکند و پس از تعیین او حکمیت مذکور در فوق واقع خواهد شد حکم حکمین با محکمه حکمیت در صورت تشکیل آن که مرکب از اعضای ثلاثه خواهد بود قطعی و غیر قابل استیناف بنماید نظر خواهد بود

در صورتیکه یکی از اشخاصیکه حکم معین شده اند برای حکمیت حاضر شود ثانیاً بر رئیس مؤسسه قضایی و مالی جامعه ملل برای تعیین عوض او اجازه خواهد شد

ماده ۴ - نظر باینکه نمایندگان مختار بانک اعلام داد که امضاء آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات

این قرار نامه میدهد و آن اندازه که مطلب مربوط به بانک است اولیاء امور بانک محتاج نیستند آنرا بهیچ نوع تصویب دیگری برسانند لهذا این قرار نامه پس از تصویب مجلس شورای ملی که تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۹ باید انجام گیرد دارای اعتبار خواهد شد  
رئیس - مذاکره در کلیات است آقای فرخی

فرخی - قرار نامه که بین دولت و بانک انگلیس در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۹ ( یک نفر از نمایندگان - بلند تر ) با امضاء رسیده است و عین آنرا جرائد مهم پایتخت درج نموده اند و در جلسه گذشته که از طرف رئیس الوزراء تقدیم مجلس گردید برای آتیه مملکت ما شایان بسی اهمیت و قابل همه گونه دقت است امروز این قرار نامه که یکی از مواد آن تصریحاً استقلال ما را تهدید مینماید برای مذاقه و مطالعه بمجلس شورای ملی آمده است ( همه هم نمایندگان - اینطور نیست ) البته بنده اظهار عقیده میکنم . نمایندگان محترم آنهایی که برای انجام وظیفه خود را مسئول ملت میدانند خوبست قدری تفکر و تأمل نمایند که جلسه امروز مجلس يك جلسه تاریخی و افکار عمومی منتظر و مترصد است که نمایندگان در این قضیه مهم حیاتی چطور اظهار نظر نموده و چگونه قضاوت خواهند نمود مسئله مهمی که امروز مجلس شورای ملی با آن مواجه و رو برو شده است از مسائل فوق العاده مهم و از حیث موضوع با ادامه کاپیتولاسیون دوش بدوش است ( افسر - اینطور نیست ) از مسائل فوق العاده مهم است که از حیث موضوع با ادامه کاپیتولاسیون دوش بدوش سیر می کند . . . ( همه هم نمایندگان - اینطور نیست - صدای زنگ ) این عقیده بنده است بنده بادلایل صحبت می کنم شما هم با دلیل جوابم را بدهید ( افسر - بسیار خوب ) بر احدی پوشیده نیست که این امتیازی که تا بحال در دست بانک انگلیس ( یکی از نمایندگان - بانک انگلیس نیست ) مانده است از یاد کارهای دوره خود سری دربار قدیم و بقیه رژیم

کابیتولاسیون است که تذکار آن هم اسباب کدورت و افسردگی خاطر هر ایرانی حساس خواهد بود قرار نامه که امروز مورد مباحثه و محل توجه مجلس قرار گرفته است دارای موادی است که ماده اول آن استرداد حق اسکناس بدولت ایران است و در عوض دویست هزار لیره آنکلیسی بابت یک میلیون و دویست هزار تومان ببانک داده میشود با اینکه سنگینی این پول هنگفت برای ملت بی چیز و زارع زحمتکش ایران حقیقه کمر شکن است ( نمایندگان - خیر خیر اینطور نیست )

زوار - این حرفها چیست ؟

باشد ( دشتی - آقا امتیاز است ) فراموش نمیکند بیست سال قبل در همین طهران از مظالم عمال زوار دولت روس فقط بمواظف آنکلیس ها امید وار بودیم... ( همه نمایندگان - اینطور نیست - زنگ رئیس ) و امروز اتفاقاً قضیه بعکس شده است ( همه - اینطور نیست )

زوار - بیخود حرف میزنی تو ما وری این حرف را این جا بزنی ما هیچ جا متکی نیستیم.

فرخی - آقای زوار مادر هوچی گری هم برچندین سبقت داریم ( خنده نمایندگان )

زوار - انجام ما موریت میکنی ؟

فرخی - من میدانم علت را شما هم میدانید . ( همه نمایندگان - زنگ رئیس ) معهنا چون استقلال مالی خود را دوباره بدست میاوریم با هر سختی که باشد این سنگینی قابل تحمل است و بنده با آن مخالف نیستم ولی میپرسم آیا بانک از منافع و مداخل چهل و هشت ساله گذشته خود این قدرها راضی واقع نشده است که برای نوزده سال بقیه امتیاز خود این وجوه فوق العاده را تحمیل بملتی میکند که دهاقین آن باید بابتیل زدن هزاری صد دینار پول آن را تدارک کنند ؟ آیا ملت شرافتمند و حساس آنکستان هنوز احساس نکرده است که با اوضاع کنونی دنیا باید با ممالک شرقی عادلانه تر از این معامله نمود فراموش نفرمائید...

فرخی - عمده مقصود من قسمت چهارم از ماده این قرار نامه است که میگوید: دولت ببانک اجازه میدهد که در معاملات خود املاک غیر منقول را بوثیقه قبول کند و حتی برای وصول طلب خود املاک و بنا گذاشته را ابتیاع نماید ولی این مالکیت موقتی بود نباید از یکسال تجاوز نماید ملاحظه می فرمائید در آن ماده این جمله مبهم و بجم است که میگوید این مالکیت موقتی است و نباید از یکسال تجاوز نماید بنده این است پرتگاه عمیق این است خطر هولناک اینجا است که باید گفت از چاله بیرون نیامده میخواهد بچاه بیفتیم...

( همه نمایندگان - اینطور نیست )

زوار - این عقیده سرکار است

فرخی - بلی این عقیده خودم است عقیده سرکار که نمیکویم ( خنده نمایندگان ) بنده خیلی خوشحال هستم که شما از مقام منشی گری آمدید اینجا برای اینکه مرا هو کنید خیلی خوشحالم که شما آمدید و دیگر نیامد.

زوار - آمدم که اصول هوچی گری را از بین ببرم ( خنده نمایندگان )

فرخی - راسق اگر با این فقر عمومی و تهی دستی مردم در مدت یکسال بانک سی میلیون فرضاً ملک بدست آورد آیا دولت چه اقدامی خواهد نمود ؟ بعلاوه با داشتن این امتیاز نامه قانونی کی میتواند ببانک مزبور اعتراض کند ؟ آوقت است که برای الغاء همین ماده دوم قرار نامه که امروز در نظر ما خیلی بی اهمیت است باید چندین میلیون دیگر هم داد و جشن هم گرفت که از قید اسارت خلاصی پیدا کرده ایم ( نمایندگان - اینطور نیست ) من معتقدم که همان ناصر الدین شاه کذا اگر میدانست برای دادن یک امتیاز کوچکی یک روز مملکت ایران دچار یک چنین مشقتی خواهد شد از امضای آن خود داری میکرد. نمایندگان محترم حالا که سر

فرخی - راجع باین ماده مشغول لازم است دقت نمایند که آن محترم را باظهارات خودم معطوف دارم با اینکه بر طبق قانون و مقررات مصوبه هیئت دولت که اعلان و اعلام هم شده است اجانب حق تصرف املاک را ندارند و با اینکه از بدیهیات است که خریدن املاک ما را خارجی ها لطمه استقلالی دارد چگونه دولت قام خود را از لغزش در امضای این قرار داد نگاهداری نکرده است ؟ فرضاً اگر یکی از متمول ترین این مملکت چندین میلیون از املاک خود را بوثیقه در بانک گذاشت و بعد نتوانست بانخواست آن املاک را بیرون بیاورد و بانک هم پس از یکسال خواست بفرشد و شزی پیدا نشد چه خواهد کرد

یکی از نمایندگان - مزایده مزایده ( همه نمایندگان - صدای زنگ )

فرخی - بنده جواب می خواهم عرض دیگری را... وزیر عدلیه - آقایان بگذارید بعد جواب عرض کنم

فرخی - قبل از الغاء کابیتولاسیون بیم آن میرفت مملکت ما مستعمره چند دولت اروپایی بشود ولی بخدای نخواست خودمان حق استعمار را باشریفات ملی میرویم تسلیم یک بانک خارجی بکنیم ( همه نمایندگان - اینطور نیست ) ( صدای زنگ )

افسر - بکنفر نمایندند حق ندارد این حرفهای را بزند. استعمار کدام است ؟

فرخی - عمل آقا عمل ( افسر - اینطور نیست )

بنده این ماده چه مفهومی دارد ؟ جوابم را بدهید برای آن جز این است که بانک آنکلیس که سرمایه

معنا بهی دارد پارچه پارچه خاک مارا خریده و بعنوان تصرف نگاه دارد ؟... ( همه نمایندگان - اینطور نیست . یکساله است )

وزیر عدلیه - بعد توضیح میدهم

فرخی - بسیار خوب آقای وزیر جواب خواهند داد من بکنفر مخالفم و حرف میزنم شما هم همه تان موافقید و صحبت میکنید دولت قوی هم بالاخره پشتیبان شما است . ( ظهرانی - فوراً بنده جواب میدهم ) پس بگذارید مطالب خودم را عرض کنم ( افسر - ولی کلمات زنده نگویید )

( صدای زنگ )

رئیس - التفات بفرمائید آقای افسر...

افسر - آخر این حرف ها معنی ندارد خارج از موضوع است

رئیس - با وجودی که موافق تشخیص من این عبارت ها خارج از موضوع است ( صحیح است ) و مصلحت ما هم نیست معهنا برای ارفاق به اقلیت بگذارید تا آخر صحبت کنند . ( افسر - ولی بشرطی که منطقی حرف بزنند )

فرخی - راسق اگر با این فقر عمومی و تهی دستی مردم در مدت یکسال بانک سی میلیون فرضاً ملک بدست آورد آیا دولت چه اقدامی خواهد نمود ؟ بعلاوه با داشتن این امتیاز نامه قانونی کی میتواند ببانک مزبور اعتراض کند ؟ آوقت است که برای الغاء همین ماده دوم قرار نامه که امروز در نظر ما خیلی بی اهمیت است باید چندین میلیون دیگر هم داد و جشن هم گرفت که از قید اسارت خلاصی پیدا کرده ایم ( نمایندگان - اینطور نیست ) من معتقدم که همان ناصر الدین شاه کذا اگر میدانست برای دادن یک امتیاز کوچکی یک روز مملکت ایران دچار یک چنین مشقتی خواهد شد از امضای آن خود داری میکرد. نمایندگان محترم حالا که سر

معتنا بهی دارد پارچه پارچه خاک مارا خریده و بعنوان تصرف نگاه دارد ؟... ( همه نمایندگان - اینطور نیست . یکساله است )

وزیر عدلیه - بعد توضیح میدهم

فرخی - بسیار خوب آقای وزیر جواب خواهند داد من بکنفر مخالفم و حرف میزنم شما هم همه تان موافقید و صحبت میکنید دولت قوی هم بالاخره پشتیبان شما است . ( ظهرانی - فوراً بنده جواب میدهم ) پس بگذارید مطالب خودم را عرض کنم ( افسر - ولی کلمات زنده نگویید )

( صدای زنگ )

رئیس - التفات بفرمائید آقای افسر...

افسر - آخر این حرف ها معنی ندارد خارج از موضوع است

رئیس - با وجودی که موافق تشخیص من این عبارت ها خارج از موضوع است ( صحیح است ) و مصلحت ما هم نیست معهنا برای ارفاق به اقلیت بگذارید تا آخر صحبت کنند . ( افسر - ولی بشرطی که منطقی حرف بزنند )

فرخی - راسق اگر با این فقر عمومی و تهی دستی مردم در مدت یکسال بانک سی میلیون فرضاً ملک بدست آورد آیا دولت چه اقدامی خواهد نمود ؟ بعلاوه با داشتن این امتیاز نامه قانونی کی میتواند ببانک مزبور اعتراض کند ؟ آوقت است که برای الغاء همین ماده دوم قرار نامه که امروز در نظر ما خیلی بی اهمیت است باید چندین میلیون دیگر هم داد و جشن هم گرفت که از قید اسارت خلاصی پیدا کرده ایم ( نمایندگان - اینطور نیست ) من معتقدم که همان ناصر الدین شاه کذا اگر میدانست برای دادن یک امتیاز کوچکی یک روز مملکت ایران دچار یک چنین مشقتی خواهد شد از امضای آن خود داری میکرد. نمایندگان محترم حالا که سر

نوشته و مقدرات ملت دست ما است خوبست که با مطالعه و دقت تار کرده و فرزندان آتی مملکت را دچار اشکال و زحمت نکنیم از ماده دوم که گذشتیم بماده سوم میسریم که آن هم بنظر من زائد الوصف غریب میآید عین ماده سوم قرائت میشود: ماده سوم - هر نوع اختلافی که بین دولت و بانک بروز کند و بین خودشان بخوشی حل نشود بتقاضای هر يك از طرفین بحکمت مراجعه خواهد شد طرز حکمت بشرح ذیل خواهد بود:

هر يك از طرفین در ظرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز کند حکم خود را معین خواهد نمود طرفیکه در ظرف این مدت حکم خود را معین ننمود در حکم این خواهد بود که حکم طرف مقابل را بعنوان حکم واحد قبول کرده است.

حکمین بمابه اختلاف رسیدگی کرده و مکلف خواهند بود که آردار طرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز کند رفع نمایند و در صورت عدم توافق نظر در ظرف مدت فوق حکمین در مدتی که از يك ماه نباید تجاوز کند برای تعیین حکم ثالثی موافقت خواهند کرد و حکم ثالث مزبور بحکمین ضمیمه شده محکمه حکمت را تشکیل میدهند و محکمه مزبور با کثرت آراء حکم خواهد کرد در صورت عدم توافق نظر حکمین در مدت مذکور در فوق در باب حکم ثالث طرف مقدم از رئیس مؤسسه اقتصادی و مالی جامعه ملل تقاضا خواهد کرد که حکم ثالث را معین بکند و پس از تعیین او حکمت برتریب مذکور در فوق واقع خواهد شد حکم حکمین و با محکمه حکمت در صورت تشکیل آن که مرکب از حکمهای ثلاثه خواهد بود قطعی و غیر قابل استئناف و تجدید نظر خواهد بود در صورتیکه یکی از اشخاصیکه حکم معین شده اند نتواند برای حکمت حاضر شود ثانیاً رئیس مؤسسه اقتصادی و مالی جامعه ملل برای تعیین عوض او مراجعه خواهد شد. حالاً دقت فرمائید مملکتی که تازه زنجیر اسارت کاپیتولاسیون را برای تمام خارجی ها پاره کرده است برای يك بانک اجنبی دیگر بدست خود چه قیوداتی تدارک دیده است.

و برای چه این طول و تفصیل ها را قائل شده است. مگر بانک انگلیس با سایر بانکها فرق دارد؛ مگر بکنفر خارجی نباید مطابق قوانین داخلی در مملکت ما قطع دعای کند. اگر اظهارات من منطقی و راست است این طول و تفصیل یعنی چه؟ اگر من کند فهم هستم و نمی فهمم خوبست مطلب را بمن حالی کنید باری زیاد تصدیق ندم من چون از قسمت چهار ماده دوم این قرار نامه بوی اسارت استشمام میکنم و ماده ۳ را هم منافی و مخالف با الغاء کاپیتولاسیون میدانم اینست که بنام مسئولیتی که در پیشگاه مقدس ملت (من در پیشگاه ملت مسئولم) دارم اظهار میکنم که با ماده اول اگر چه تخمیل مالی هر کشکی بملت ناتوان ایران شده است و افاق و با ماده ۲ و ۳ بکلی مخالف هستم و در خانه پیشتر محترم دولت تذکر میدهم که در نوشجات خود رعایت این نکته را بفرمائید که (باید بتصویب برسد) لفظ آراء است و مجلس حقدار بدولت لفظ آراء ادا کند نه دولت به مجلس وزیر عدلیه -- در بیاناتی که نماینده محترم فرمودند یکی دو کلمه عبارتی بود که البته شاید خیلی هزل بود که ذکر نمیشد و اسباب تأثر و تأسف فراهم نمیکرد (صحیح است) یکی مسئله تهدید استقلال که در ابتدا فرمودند و یکی راجع بمعاهدات اما راجع باستعمار خود ایشان میدانند امیدوار هستم که همه واقفاً این عقیده را داشته باشیم بدانیم که کار مملکت ایران از آن مراحل که این صحیح است درش بشود گذشته است (صحیح است) از حد است و تهدید استقلال حقیقه گذشته است (صحیح است) و يك مملکتی است که حقیقتاً خودش را میتواند حفظ کند (صحیح است) پس ما باید مثل ملت زنده کنیم (صحیح است) حالا برسم بابت امر آقا و ببینم ایشان یکی در قسمتی بود که اشاره کردند ولی اظهار مخالفت نکردند و حتی در آخر هم گفتند که با آن قسم مخالفی نیست و آن مسئله دویست هزار لیره است

بنکه (يك نفر از نمایندگان - موافقت هم داشتند) این مذاکره هیچ نشده بود بنده هم هیچ اظهاری در قسمت بخصوص نمیکردم ولی حالا با اینکه اظهار مخالفتی نشده است ولی چون عبارت ذکر شده است پس تذکر بدهم آقایان را که همین ملت و همین مردم هستند با این که بانک بموجب امتیاز نامه اش حق داشت که يك میزان زیادی بیش از آنچه که ذخیره طلا در پول اسکناس بدهد و عبارت آخری در حقیقت يك مقداری بفرم را قرض کرده باشد بدون هیچ نفع و تنزیلی که ۱۰ هزار لیره می شده است ان منفعتی را که ما میبریم ۲۰۰ هزار لیره در مقابلش ضرر می کنیم (ما یعنی مردم) عبارت از این است که پولمان را دیگر بیخود بدهیم دست دیگران (صحیح است) و بعقیده بنده بگر بیخود نمی آئیم يك اسکناسی را قبول کنیم که پشتش بولی نیست چون بانک حقدار بدون اینکه ذخیره داشته باشد اسکناس نگهدارد این اسکناس که بنده در چشم دارم يك مقدارش بدون اینست که پول پشت سرش باری بانک باشد پس بنده اعتبار کردم و عبارت دیگر که فرض دادم بدون تنزیل و بدون منفعت از این دولت نمیتوان گفت این مردم يك ضرری می کرده اند ما اگر بیائیم آن منفعتی را که بانک از این راه برده است و ضرری که ما از این راه میگردیم آن مبلغ را با این مبلغ که میدهیم مقایسه کنیم خواهیم دید که يك منفعت بزرگی خواهیم برد (صحیح است) البته تصدیق خواهند داشت (صحیح است) که واقفاً ارزش دارد و خیلی معامله خوبی است و با اینهم که آن مخالفتی نکردند و دیگر بیش از این در این موضوع عرض نمی کنم حالاً میسریم بدو موضوعی که ایشان توجه میکنند یکی راجع بماده مربوط بحق وثیقه گرفتن ارضی بود مخصوصاً در قسمت اینکه بعد از یکسال چه خواهد شد چون حرف مهمشان همین بود فرمودند شما می آئید عرض میدهم به بانک که ملکی را به وثیقه قبول کند بعد از آمدن مدت اگر پول نرسید بتواند بفروشد

مخصوصاً اگر در فروش یا خریدار پیدا نکرد یا مصلحت ندید که آن ساعت بفروشد حالا مالک میشود و حق ملک باو داده اید بعدش چه خواهد شد. نگرانی که اظهار کردند این است واقفاً هم اگر راه حل نداشت آنوقت کاملاً نگرانی بجا بود کاملاً هم بجا بود اگر راه حل نبود یا مثلاً اگر ما می آیدیم و يك حق مالکیت ظاهراً موقت و باطناً دائم باو میدادیم این يك نکته خیلی قابل ملاحظه و يك مسئله مهمی بود ولو اینکه آن نگرانی را بصورتی که ایشان میفرمایند نداشته باشیم ولو اینکه تصور نکنیم که خیلی این مطلب باعث این خواهد شد که مملکت استعماری خواهد شد (از بس این جمله جمله ناگواری است (صحیح است) اصلاً بنده نمیخواستم ذکرش را هم کرده باشم) نگرانی جا داشت ولی ما روی آن مسائل و روی يك دلایل و اصول کلی ما آمده ایم و محدود کرده ایم اتباع خارجه را بداشتن املاک و اختصاصی هم بمملکت ما ندارد در مملکت دیگر هم این حق را میدهند ولی محدود (صحیح است) نه اینکه ظاهراً آمده باشیم و باسم وثیقه و بعد بعنوان اینکه ملک موقتاً در دست او باشد بگوئیم او مالک است خیر اگر ما آمده بودیم و این اجازه را میدادیم که مال او باشد نگرانی جا داشت ولی از حسن اتفاق اصلاً اینطور نیست (نمایندگان - صحیح است) ما این جا آمده ایم و ببانك این حق را داده ایم که پس از گذشتن يك مدتی از وثیقه بانك بتواند خودش تا يك مدت محدودی این را بعنوان مالکانه داشته باشد چرا؟ برای اینکه اگر این حق را نداشت و اگر نمیتوانست این املاک را نگاهدارد و اشخاص چون می دانستند وقتی که مدت وثیقه تمام شد بانك مجبور خواهد بود که بالاخره این را بفروشد و فرصت زیادی هم برای بانك نباشد آنوقت ملک بيك صورتی در می آید که از برای آن ایرانی که ملک خود را بوثیقه داده بود اسباب ضرر می شد (صحیح است) بنده فرض فرمائید يك ملکی که ده هزار تومان قیمت دارد

بسه هزار تومان وثیقه دادم پس از آنکه مدت سر می آید بانک که خودش نمیتواند این را قیمت کند و بردارد و مجبور است فوری بزمایده بگذارد ده نفر پانزده نفر بیست نفر عده زیادی که میتوانند ملک را بخرند می آیند و میدهند و بانک هم در هر صورت مجبور است که این ملک را بفروشد و شاید در این مزایده بیک قیمتی آن اشخاص ملک را قبول کنند که در نتیجه آن ایرانی که آمده بود آن ملک را داده بود او بیول خودش نرسد یا شاید بانک هم بسه هزار تومان خودش نرسد و ضرری متوجه شود از اینکه در رأس مدت بفروشد پس ما لازم دانستیم یک فرجه بدهیم که پس از رسیدن مدت بانک فرصت و مجال این را تا یک سال داشته باشد که شاید بتواند این معامله خودش را بیک ایرانی انتقال بدهد عبارت دیگر بتواند بفروشد حالا البته اینجا باید بانک حساب خودش را از اول بکند و بداند که اگر وثیقه مدتش گذشت و اگر کسی دیگر پیدا نشد که بیاید و پول او را بدهد و او مجبور است بفروشد چون مالکیت او موقتی است و آن مراعات اولیه را که ما در ابتدا با او کردیم دیگر نمیکنیم یعنی چه؟ یعنی اگر یک سال گذشت آنرا ما مطابق یک مقررات ملکیتی بزمایده خواهیم گذاشت و پول آنرا میدهیم قرینه هم در اینجا دارد اگر آقایان مراجعه بقانون تابعیت کنند در آنجا قرینه ذکر شده است در آنجا می بینید گفته میشود در ماده ۱۴ قانون تابعیت : هر تبعه ایران که بدون رعایت مقررات تابعیت خارجی تحصیل کند تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته میشود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن باو داده خواهد شد همینطور در ماده ۱۱ میگوید : هرگاه زن دارای اموال غیر منقولی بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جائز است بوده و یا بعداً بارت اموال غیر

منقولی بیش از آن حد باو برسد باید در طرف یکس از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارت مقدار مازاد را بنحوی از آنجا بپای ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت با آنها داده خواهد شد. اینها مواردی است که کلیت ما در قوانینمان داریم و اصل کلی هم این است که وقتی شما یک مقرراتی در قوانین مان دارید و امر این است که فلان مالکیت موقتی است مثلاً یا بفلا ترتیب در مدت معینی بایستی عمل شود اگر نفروخت باید شما مطابق تمام مقررات و اصول کلیه ملک خودتان را حل کنید (صحیح است) ما اینجا جز میدهیم یکسال هم فرجه میدهیم که بتواند بفروشد اگر بنا شد اینکار را نکرد البته آن ملک بزمایده گذارده شده و پولش را بهش خواهند داد پس بنا بر این این نگرانی آقا مورد ندارد که می فرمایند با املاکی را در دست خودش نگاه میدارد و من می بینم این نگرانی آقا را اظهار نمی کنم که او دارای یک اموال زیادی شد نه اینست که ما با خارجی بد باشیم یا با بانک بد هستیم خیر همه مان با هم خوب هستیم فقط چیزی که هست ما از برای خودمان مصالح خودمان را اینطور تشخیص میدهیم که از برای ما مصالح ما اینطور حکم میکند که نباید اتباع خارجی مالکیتشان از یک حدود معینی تجاوز کند اینجا که به بانک این حقرا دادیم که از این حق تجاوز کند تا یکسال است بعد از یکسال هم نخواهیم گذاشت ملک باشد و مطابق قوانین و اصول و مقررات عموم خودمان بزمایده خواهیم گذاشت پس گمان می کنم در این قسمت جای هیچ نگرانی نیست و محتاج این نیستیم که در این قسمت بحث مفصلی بکنیم برویم سراغ یک قسمت دیگر که نماینده محترم بان اشاره فرمودند که آن ماده ۴ است راجع بمسئله حکایت در اینجا گفته شد که بانک یک مؤسسه است خارجی و ما آمدیم

اینجا بر خلاف الفاء کاپیتولاسیون یک عملی میکنیم که درش بدوش با کاپیتولاسیون میرود. چرا بچه دلیل؟ اینکه ما قرار گذاشته ایم که اگر اختلافی بین ما و بانک شد بحکمیت مراجعه شود این را یک قدری بی لطفی میفرمائید برای اینکه نه تنها در قرار داد بانک بلکه در غالب امتیازات دیگری که ما داده ایم در کنتراتی که بسته ایم بعلاوه مطابق قوانین داخلی خودمان ما میگوئیم اگر اختلافی بین متعاملین خواه داخله خواه خارجه حقدارند که در قرار داری که باهم میکنند قرار بگذارند که رفع اختلاف آنها بطریق حکمت باشد چه اشکالی دارد که ما با بانک همانطوری که ظاهر هم دارد قضیه را بحکمیت مراجعه کنیم چه ضرری دارد ما میگوئیم اگر بین دولت ایران و بانک هر نوع اختلافی بروز کند و بین خودشان بنحوی حل نشود بتقاضای هر یک از طرفین بحکمیت مراجعه شود ما آمده ایم و اینکار را کرده ایم عیب این کجاست اما خوب در امتیازات سابقه یک سوابقی بوده است که بالاخره دارا بکنند در قضایا نگران کرده است و یکوقت کاپیتولاسیونی بود و ما از آن قضایا می ترسیدیم ولی بالاخره بمحدمان آن مسائل گذشت و اینجور هم نیست که انسان اینقدر بترسد شده باشد در خیلی از ممالک دنیا هم که هیچ رفت درش کاپیتولاسیون نبوده است و هیچ وقت این چیزها نبود است در قرار دادهایمان در امتیازاتشان این مسئله را پیش بینی میکنند اگر بنا شد بفلان ترتیب حکمت مسئله حل شود این کجایش عیب دارد چرا باید این مسئله را آورد و یک مسئله خطرناکی تلقی کرد و آورد اگر چه این عبارت را من حالا نمی خواهم بگویم چرا برای اینکه یک قدری شبیه به عبارت بچه کانه است که منحوس کاپیتولاسیون را باز تکرار کنم؟ برای چه ما آمدیم یک قرار دادی بایک بانکی میخواهیم به بندیم؟ با این بانک کتیم که شما حالا حق اسکناس داشتهید و از برای مملکت این مسئله مناسب نبود حال میخواهید با ما درست کار بکنید و میخواهید با ما

خوب راه بروید بیائید و این چیزی را که اسباب زحمت ما است از بین ببریم آمدیم و قرار گذاشتیم حق اسکناس با خودمان باشد. آمدیم و دیدیم چون بانک ضرری میکرده است نظر بان امتیازی که داشته است و ما هم نفعی میبردیم برای اینکه حق را بخودمان برمیگردانیم فلان مقدار در این قرار نامه مقرر شد باو بدهند و بعد از برای رفع هرگونه اختلافی که راجع باین قرار نامه اتفاق بیفتد و یک سوء تفاهمی هرگاه حاصل شود آمدیم و طرز حکمت را قرار گذاشتیم و از حالا این راه حل را پیش بینی کردیم. ماده این را هم بیک ترتیب خیلی صحیح و صریح و روشن یک ترتیب خوبی مقرر کردیم که تازیک نباشد نه مثل بعضی از قراردادهای سابق که میگفت حکمت بشود و عنوان حکمت بود ولی معلوم نبود روی چه اصلی واقع خواهد شد ولی ما در این قرار نامه همه چیزهایش را معین کردیم که چطور حل شود و بنده تصور میکنم چون ایشان صحبت مفصلی نکردند بنده هم پیش از این صحبت نمیکم و یک مسائلی را اظهار فرمودند که رویهمرفته بنده خیال میکنم بعد از توضیحی که دادم شاید خود ایشان هم قانع شده باشند (نمایندگان - صحیح است) برای اینکه نگرانی ایشان را اینجا خلاصه میکنم : داشتن ملک بود برای یک مدت متمادی عرض کردم که آن دائمی نیست و موقت است و راه حلش هم مقررات و قوانین داخلی مملکت است. راجع بقسمت حکمت هم بنده تصور نمیکم جای هیچ نگرانی باشد. ما میآیم سر آن تذکر آخری که بدولت دادند در قسمت (باید تصویب شود). اینجا گمان میکنم سوء تفاهمی شده باشد مقصود ما این نیست که باید مجلس تصویب کند خیر بلکه قرارداد ما با بانک این است و مثل این عبارتی است که بنده میخواهم توضیح بدهم که این از برای یک مدتی است چون نمایندگان بانک اختیار داشتند و امضا کردند و این طرف اگر متعهد نمیشد چه میشد او که از طرف خودش امضا کرد است و پس از امضاء متعهد با جرا است آمده اند برای این

قسمت يك مدتی را معین کرده اند که اگر تا فلان تاریخ تصویب نشد این بجای خودش کان لم یکن است مقصود باید این است که تا آنوقت بتصویب خواهد رسید. باین معنی که اگر این کار را نکردیم موضوع از بین خواهد رفت نه این است که دولت امضا کرده است و تعهد کرده است که من امضاء کردم و نافلان روز هم مجلس شورای ملی باید تصویب کند البته هیچوقت ممکن نبود که يك همچو کله را بردارند بنویسند و نخواهند نوشت.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است طهرانی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات. چون يك سهمانی در لفظ نماینده محترم بود بنده با کفایت مذاکرات مخالف هستم و اجازه میخواهم از آقایان که بمن اجازه بدهند عرایض خود را عرض کنم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. در ماده بفرمائید.

رئیس - تردید شده است رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. رأی میگیریم بورد در شور مواد موافقتی که با ورود در مواد موافقت قیام فرمایند. (اغلب بر خاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده ۱ - بانک از حق صدور اسکناس که منحصرأ از طرف دولت باو واگذار شده بود صرف نظر میکند مسلم است که بانک عهده دار است که در تحت نظارت کیسر عالی دولت و تا موعدی که باید بین دولت و بانک معین شود ولی نباید دیرتر از بیستم ژوئن ۱۹۳۱ (آخر خرداد ۱۳۱۰) باشد وجه کلیه اسکناسهایی را که بران تبدیل ببانک مسترد نشده باشد بدولت خواهد پرداخت.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی متأثرم از اینکه در اثر

ضعفی که در سابق در ما بود و قونی که در دیگران بود و حالیه هم در بعضی امورات آن قوت سابق و آن ضعف سابقمان مؤثر واقع می شود از جمله آن ترتیباتی بود که نسبت به صادرات از دولت شمالی ذکر شد که در صادرات با ما چه قسم رفتار میکنند و در صادرات خودشان چه قسم رفتار میکنند و در واقع خیلی اسباب تاسف و تأثر است و امید است که بعد ها آن وضعیت را کنار بگذارند و با مرام خودشان یا بعضی از مرام خودشان لااقل موافقت کنند چیز دیگری که بنده در نظر دارم و همیشه با آقایان با رفقای خودم در بیان سه روز ' پنج روز ' ده روز مرخصی مخالفت میکنم چرا و برای چیست؟ برای این است که صدتومان پنجاه تومان دوست تومان از مال این مردم صرف خود این مردم بشود و نظر دیگری در خودم ندیدم امروز هم هرچه خواستم خودم را راضی بکنم که در این دوست هزار لیره که به پول ما دوکرورو نیم میشود ساک باشم دیدم نمیتوانم (کازرونی - دوکرورو نیم نمیشود) چرا دوکرورو نیم میشود هرلیره را وقتی شصت و سه قران حساب کنیم دوکرورو نیم میشود...

چند نفر از نمایندگان - لیره شش تومان است. فیروز آبادی - خوب شش تومان باشد در کورون و دوست هزار تومان میشود هر چه خواستم تحمل کنم و صبر کنم نشد فقط چیزی که بود خود را راضی کردم و چندان مخالفت نمیکنم این بود لابد نظری که بنده دارم دولت و آقایان و کلا هم دارند آنها هم ملاحظاتی کرده اند و در مقابل این دوست هزار لیره را میدهند امید وارم که همینطور باشد و واقعاً استغاده بکنند (آقا سید یعقوب - پیشنهاد کنید صد هزار لیره بدهند) و ما هم استفاده بکنیم يك چیزی دیگری که بنده خیل نگران بودم و ذکر هم شد هر چه بیکدبری نگرانی من از توضیحاتی که آقای وزیر اعظم دادند رفع شد و کم شد و آن وثیقه گذاشتن و...

این املاک است آنها در نظر بنده خیلی گران بود بنده ام این بود که خیلی برای ما گران تمام خواهد ولی بعد از توضیحات ایشان يك قدری رفع نگرانی شد ولی حالا در این زمینه عرض می کنم اگر بنده که يك میلیون دو میلیون : ده میلیون املاکی بوی بانک کرو گذاشتند و وثیقه گذاشته شد و با يك نفی او پول داد سر یکسال اگر بانک مالک شد و بماند بفروشد و مشتری پیدا نشد آن وقت چه صورتی خواهد کرد؟ این را بنده چون ملتفت نشدم معذرت میخواهم اگر هیچ مشتری پیدا نشد خواهانند کرد.

بعضی از نمایندگان - حراج میکنند. فیروز آبادی - این يك مسئله ایست که خیلی گران تر من می آمد و بیکدبری رفع نگرانی شاید بشود ملتفت نشده بودم توضیح خواستم و در قسمت های گرام اشکالی پیدا کردم توضیح میخواهم رئیس - آقای دشتی موافقتند؟... (حاضر نبودند) طاهری.

دکتر طاهری - اگر چه آقای فیروز آبادی مخالفی بود که بنده جوابی عرض کنم و يك اشاراتی فرمودند به بعضی مواد که در موقع خودش اول آقای علییه جواب دادند و بعد چون مذاکره شد عرض بنده بر خلاف يك مذاکرانی که قبلا شد یکی موافقت های مشمش دولت و تقلیل و افلا تضعیف نبود و سلاسی هست که قبلا بسته شده بود به دست بی مالی مملکت بلکه استقلال مملکت. این مسئله انکار نیست که يك امتیازی بوده است که تا بحال مواش معمول به بوده حالا که دولت میخواهد در توجهات اعلیحضرت همایونی موفق بیک اصلاحاتی در قدم بدم بایستی که آن سنگها از پیش پا برداشته در الحمد لله مشغول هم هستیم ما که بانک

ملی را با آن شوق و شغف این جا رأی دادیم و تأسیس شد و حالا که کمیسیون تقش اسعار تأسیس شد برای همان مسئله اقتصادی که مورد توجه بوده است انحصار طبع اسکناس بیابانک و عدم اجازه اینکه دولت خودش یا بانک دیگری بتواند اسکناس طبع کند که این امتیاز چهل سال قبل داده شده است این یکی از مواضع بزرگی بود که ما را نمیکذاشت موفق شویم بمقصد خودمان و دولت حالا موفق شده است این را از میان بردارد آزاد بکند قسمت مالی مملکت را از این قید البته چون در مقابل يك تمهیداتی که دولت کرده بود يك دولتی قبلاً و در مشروطیت هم بر طبق يك مقرراتی امتیازاتی که قبل از مشروطه داده شده است این امتیاز هم قبول شده است حالا اگر نخواهند از يك تمهید غلط که قبلاً شده است خودشان را خلاص بکنند برایگان که نمیشود بایستی البته يك مبلغی بآن کسی که معامله میکند بدهند معامله بتراضی است و اگر چنانچه سختی بکند آدم مجبور میشود زیادتیر هم بدهد این قسمت بعقیده بنده یکی از موفقیت های بزرگ دولت است و امیدوار هستم برای قسمت مالی و اقتصادی مملکت يك اثرات و فوائد بیشماری داشته باشد. اصل این لایحه که روی الغاء امتیاز اسکناس است بهترین موفقیتیهائی است برای مملکت با آن وعده هائیکه در خارج داده شده است و توافق هائیکه شده است که بانک شاهنشاهی بیشتر مساعدت کند با بانک ملی و در امور اقتصادی دیگر سایر مواش يك چیزهائی نیست فقط موضوع وثیقه گرفتن املاک است که بتواند يك کار های ملکی بکند که آنها هم موجب توسعه کار های اقتصادی خواهد شد و با این توضیحاتیکه دادند هیچ محظوری هم تصور نمیشود. اما در موضوع حکمیت هم همان چیزی بوده است که بوده است منتهی با يك وضع خیلی اقتضاح آوری که اگر چنانچه مراجعه بکنید در کمیسیون بودجه هم دیده شد و در کمیسیون اقتصاد ملی هم مراجعه شد که يك حکمیت اقتضاح آوری بود و حالا آن حکمیت آبرومندانه شده است قانون حکمیت را هم

که ما خودمان گذرانیدیم و در تمام قراردادهای و کنتراتها که می بندیم در آخرش اگر نظر داشته باشید نوشته ایم که رفع اختلافات بحکمیت میشود پس بعقیده بنده در ماده اول که دیگر اصلاً جای حرف نیست و بهترین مواد است که بانك از حق صدور اسکناس که از طرف دولت باو واگذار شده بود صرف نظر میکند و یکسال دیگر هم باید اسکناس ها را جمع کند و پولش را بپردازد و هر قدر هم که ماند پولش را باید بدولت بپردازد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ يك توضیحی می خواهم .

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت؟

شریعت زاده - بلی .

رئیس - آقای امین موافقت؟

حاج میرزا حبیب الله امین - موافقم

رئیس - آقای آفاسید یعقوب نوبه خود آقا است .

آفاسید یعقوب - بنده بر خلاف های وهوی نماینده محترم

هم از آقای فرخی تشکر دارم و هم از آقای وزیر عدلیه بواسطه اینکه آقای فرخی شرح دادند و آقای وزیر عدلیه توضیحی دادند و يك نگرانیهای از برای ما برداشته شد و این يك خوش اقبالی بود که آقای وزیر عدلیه بودند و بایک بیان عالی آن اشکالاتی که برای ما بود در نظر ما رفع شد این است که بنده اولاً خودم را مخالف قرار دادم عنوان مخالفت ندادم بعنوان مخالفت می خواهم يك توضیحاتی بخواهم توضیح این است که اولاً تصدیق میفرمائید که پول نقره مدتی است تنزل کرده است و در واقع يك قران سه عباسی شده است یا پانزده شاهی ( نمیخواهم تنزل بدهم ) این اسکناس موقعی رواج شده است که این پول نقره يك قران نهمصد دینار بابك قران بود حالا

که بانك میخواهد بردارد و اسکناس را جمع کند و بدهد آن نقره که بکفران بوده حالا بعنوان سه عیار میدهد یا يك قران را بعنوان يك قران بنده این سؤال میکنم ( بعضی از نمایندگان - عرض يك توبه دوازده قران میدهد ) من حساب سرم نمیشود سؤال میکنم اگر این است توضیح بدهید در این بین باصطلاح آقا وزیر عدلیه انقی پراتنز و باصطلاح خودم بین الهال می خواهم عرض کنم اگر هم آقای رئیس میفرمائید از موضوع است نه خیر خارج از موضوع نیست عرض میکنم بقدری این مسئله حق صدور اسکناس از برای ما نافع است که حق صدور اسکناس از بانك برداشته شد و بدولت داده شد که آقای روحی میدانند و نظرشان اگر بیاید که در اول مشروطه ما می نوشتیم و میگفتیم ای کاش ما میتوانستیم اسکناسهای پنجهزار چاپ کنیم چون ماحق چاپ کردن اسکناس پنجهزار را به بانك نداده بودیم میگفتیم يك فکری بکنیم اسکناس پنجهزاری چاپ بکنیم و وقتی که اسکناس پنجهزار را چاپ کردیم بانك نمیتواند جلوی ما را بگیرد و این جا يك دری برای ما باز میشود - لا حقیقه گفته ها و آن انجمن ها يك صورت جدی بخودش گرفتند و بی بی بن الله این قدم خیلی قدم بر جا گذاشتند بر اقتصادیات مملکت خصوصاً بعد از آن بیاناتی که آقای وزیر عدلیه کردند ولی يك نظر برای من باقیمانده است که حالا می آئیم بقران میدهیم سه عباسی بگیریم يك جواری میشد که این ضرر را در این جا نمیکردیم و حساب میکردیم بنده حقیقه عرض این که بیست و هفت و رفته سفید برای موافقت بشما بدهم يك رفته طلا به شما خواهم داد اگر این کار را میکردید خیلی خوب بود ( خنده نمایندگان )

وزیر عدلیه - ایشان يك توضیحی خواستند که خیال میکنم که توضیح دادن در این قضیه خیلی نافع است ولی خوب این را عرض میکنم که شما

کاش را چه چیز میگوئید؟ اسکناس عبارت از يك بلیت نهدی است که بانك چاپ کرده و منتشر کرده است و میگوید که این اسکناس را هر وقت يك کسی ببرد همان اندازه که رویش نوشته شده است پول رایج ایران را بهتان میدهم يك تومان است وقتی که بپردازد يك تومان میدهم معنی آن این است خوب يك روزی پول رایج ایران بالا رفت و در معاملات بالایی ترقی کرد شما کمتر میگیرید و حالا که در معاملات بین المللی نقره پائین آمده است حالا باید بگوئیم که اگر بصورت نقره میدادید حالا بصورت طلا بدهید لا مثال را بگفدی روشن تر عرض میکنم میگویم لا سابق ما پنج تومان میتوانستیم بدهیم و يك لیره بگیریم ( دکتر عظیم - چهار تومان ) حالا چون ما پائین آمده است و شش تومان باید بدهیم يك بگیریم پس حالا باید يك تومان که میبریم پیش بانك دوازده قران باید بدهد . این معنی ندارد بانك بردارده است روی اسکناس ها که هر کس او را بردارده همان میزانی را که روی آن پول رایج نوشته شده است آن را میدهد يك تومان نوشته شده بکتمان برآمد داد امروز هم که البته میدانید معامله که با ما میکند از روی همین ترتیب است آنروز هم که خواهد اسکناسهایش را جمع کند روی همان معامله خواهد کرد و گمان میکنم آقای آفاسید یعقوب وقتی که تشریف آوردند اینجا واقعاً برای این بود که ما خوشوقتی خودشان و نیت خودشان را که برآورده است و در اوائل مشروطیت داشتند و امروز جنبه ملی گرفته است بکنند و آن خوشوقتی را اظهار بکنند برای اینکه مخالفتی هم کرده باشند لابد شدند این طلب را فرمودند

آفاسید یعقوب - نه نه توضیح میخواستیم .  
رئیس - ماده دوم قرائت میشود :  
ماده ۲ - در نتیجه ماده قبل :

اولاً پس از اینکه بانك تأدیه قیمت اسکناسهای صادره را در تحت نظارت کمیسر عالی دولت انجام داد دولت از حتی که دارد که بتوسط کمیسر عالی خود نسبت به بانك اجرای تفقیض حاصل بنماید صرف نظر میکند شغل کمیسر عالی منحل شده و مبلغی که بانك بعنوان حقوق مشار الیه بدولت تأدیه مینمود دیگر بر عهده بانك نخواهد بود

ثانیاً - از تاریخ اعتبار یافتن این ضمیمه حق الامتیاز بانك که عبارت از صدی شش عایدات خالص سالیانه بوده و بر طبق شرایط امتیاز بانك باید بدولت پرداخته شود از عهده بانك ساقط خواهد شد

ثالثاً - برای جبران انصراف بانك از حق صدور اسکناس دولت در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۱ مبلغ دوست هزار لیره پول نقد در لندن به بانك تادیه خواهد نمود

رابعاً - دولت به بانك اجازه میدهد که در معاملات خود املاک غیر منقول را بوثیقه قبول کند و حتی برای وصول طلب خود املاک وثیقه گذارده شده را اقباع نماید ولی این مالکیت موقتی بوده و نباید از یکسال تجاوز نماید

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - موافقم

رئیس - آقای یاسانی

یاسانی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده حقیقهً باز هم عرض میکنم مخالفتم بعنوان خواستن توضیح است که می خواهم عرض کنم . مدتی است که بانك اسکناس چاپ کرده است از چهل و هشت سال باینطرف ...

بعضی از نمایندگان - چهل و یکسال است

آفاسید یعقوب - خوب مواظب هستید مخصوصاً آقای



افسر که از بنده غلط صادر شود و ایراد بگیرد ( خنده نمایندگان ) البته انسان جایز الخطا است کلمه انسان از سه و نسیان است ( اورنگ - از انس است ) حالا که شما اعلم العلماء هستید بنده عرضی ندارم . عرض کنم از وقتی که بانک اسکناس را چاپ کرده است یکمربته اسکناس تغییر کرد و صورت دیگری واقع شد خواستم این را سؤال کنم که حالا که بانک میخواهد اسکناس را جمع کند این اسکناس جدید است یا آن اسکناس قدیم ... وزیر عدلیه - هم

آقا سید یعقوب - خوب خیلی خوب است نمره هایش البته هست و محفوظ خواهد بود از روی آن نمره نگاه میکنند نمره پنج و یک و دو . اینها یک توضیحاتی است آقای وزیر عدلیه : که بقدری در این زمینها برای من لازم است که چه عرض کنم چون در مجلس این توضیحات واقع میشود زمینه میشود برای اجراء این توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه میدهند برای نمایندگان خیلی مفید است و آن چیزیکه فردا حکومت میکنند همین توضیحات آقای وزیر عدلیه است این یک موضوع دیگر این مسئله ایست که آقای شریعت زاده در کمیسیون اقتصاد ملی و کمیسیون بودجه فرمودند و حالا بنده از آن مسئله قضاوت میخواهم دولت بانک اجازه میدهد که در معاملات خود املاک غیر منقول را بوثیقه قبول کند و حتی برای وصول طلب خود املاک وثیقه گذارده شده را اقباع نماید ولی این مالکیت موقتی بوده و نباید از یک سال تجاوز نماید بر حسب قضاوت وقتی که قانون حق باو داد که بانک مالک شود این که نوشته شده است که این مالکیت موقتی است و نباید از یکسال تجاوز کند این دو قسمت با هم نمایانند زیرا وقتی مالکیت آمد باید یک ترتیب و مقررات دیگری معین شود . حالا عرض میکنم مطابق این ماده که الان خواهد گذشت بانک شعبش را که در تمام مملکت منبسط است خواهد گفت که ملک قبول کنید و من خیلی خوشحالم برای اینکه مملکت

ما مملکت فلاحتی است و مالکین ما و زارعین قرض میکنند و مملکت ما آباد میشود و بنده خیلی خوشن هستم از این قدم دولت و این یک هدیه ای که فلاح و زارعت ما را ترقی میدهد حالا که بنده واقع شد و مطابق این قانون حق اقباع به بانک داده میشود بعد از آنکه او اقباع کرد سلب مالکیت او مطابق این قانون نمیتوانیم بکنیم مگر اینکه توضیح در اینجا بفرمائید که مسئله واضح شود ولی بنده عرض میکنم که مطابق روح این ماده تسبیح یک بانک فلاحتی میشود در این مملکت و یک فلاحتی ایجاد میشود ولی تا توضیح ندهید این تکرار رفع نمیشود .

وزیر عدلیه - توضیحی که راجع به قسمت اسکناس فرمودند که فرمودند بانک در این چند سال مقادیر زیادی اسکناس چاپ کرده است و حالا راجع به کدام قسم میخواهد جمع کند . بنده عرض میکنم البته این توضیح واضحی است برای اینکه بایستی هر چه اسکناس مردم میبرند پولش را بدهد و بالاخره نادیده کند هر تاریخی باشد و از طرف دیگر پیش بینی آن است که اگر تا فلان مدت نیاورند باید پولش را بدهد و از دفاتر هم معلوم است که چقدر اسکناس چاپ کرده است اما راجع به قسمت حق مالکین میفرمائید چطور میشود که در یکسال ملک به حق موقت نظایر و امثال بسیار دارد در دنیا که در یک مدت معینی صاحب آن حق هستند و شرایطی ما میگوئیم که ایشان صاحب این ملک هستند برای یک مدت معینی و پس از آنکه آن ملک گذشت سلب میشود باید که قبل از آن مدت مالکیت خودش خودش عمل کند و الا مقررات خودمان میائیم آنوقت ملک را بر مبنای انتقال میدهم ( اورنگ - طرف هم قبول کرده است و طرف هم این مسئله را از اول قبول کرده است ) قرار است که گذاشته شده و مجلس هم رأی میدهد

و اشکالی نیست .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . رئیس - ماده سوم قرائت میشود :

ماده سوم - هر نوع اختلافی که بین دولت و بانک بروز کند و بین خودشان بخوشی حل نشود بقانونی هر یک از طرفین به حکمیت مراجعه خواهد شد طرز حکمیت بشرح ذیل خواهد بود هر یک از طرفین در ظرف مدتیکه از سه ماه نباید تجاوز کند حکم خود را معین خواهد نمود طرفیکه در طرف این مدت حکم خود را معین نمود در حکم این خواهد بود که حکم طرف مقابل را بعنوان حکم واحد قبول کرده است

حکمین بمابه الاختلاف رسیدگی کرده و مکلف خواهند بود که آنرا در ظرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز کند رفع نمایند و در صورت عدم توافق نظر در ظرف مدت فوق حکمین در مدتیکه از یک ماه نباید تجاوز کند برای تعیین حکم ثالثی موافقت خواهند کرد و حکم ثالث مزبور به حکمین ضمیمه شده محکمه حکمیت را تشکیل میدهند و محکمه مزبور با اکثریت آراء حکم خواهد کرد

در صورت عدم توافق نظر حکمین در مدت مذکور در فوق در باب حکم ثالث طرف مقدم از رئیس موسسه قضای و مالی جامعه ملل تقاضا خواهد کرد که حکم ثالث را معین بکنند و پس از تعیین او حکمیت بر ترتیب مذکور در فوق واقع خواهد شد حکم حکمین و محکمه حکمیت در صورت تشکیل آن که مرکب از حکمهای ثلاثه خواهد بود قطعی و غیر قابل استیناف و تجدید نظر خواهد بود

در صورتیکه یکی از اشخاصیکه حکم معین شده اند نتواند برای حکمیت حاضر شود تا نایب رئیس موسسه اقتصادی و مالی جامعه ملل برای تعیین عوض او مراجعه خواهد شد

رئیس - آقای اورنگ مخالفید ؟

اورنگ - خیر توضیحی میخواهم .

یکنفر از نمایندگان - مخالفند .

اورنگ - اسم مخالف رویش نگذارید

رئیس - بفرمائید

اورنگ - عرض کنم حقیقه باید از این اسم برعزیز

کرد و عیبش این است که ( احتشام زاده - باید نظامنامه را اصلاح کرد ) بلی صحیح است نظامنامه را باید اصلاح کرد که عیبش این است که یک عنوان مستقلاً برای توضیح در نظامنامه نیست . در نظامنامه دو عنوان مستقل هست یکی برای موافق یکی برای مخالف ولی این وسط یک مواردی هم پیدا میشود که انسان بیک توضیحی راجع بیک ماده محتاج میشود اما چون عنوان راجع باین موضوع نیست اجباراً در تحت لوای خلاف عقیده خودش وارد میشود برای خاطر اینکه یک چیز را توضیح بخواهد و توضیح آنرا خواستار بشود بنده در ماده ۳ یک توضیحی را یعنی دو توضیح را میطلبم و البته با تشریف داشتن آقای وزیر عدلیه توضیحی که ایشان میدهند هم اقتناع کننده ما خواهد بود و هم توضیح کننده خود ماده اگر ابهامی داشته باشد ولی قبلاً ناگزیریم از این موقع یک استفاده کرده باشم و یک عرض مختصری را هم کرده باشم بطور تذکر و آن این است که طرز فکرها البته مختلف است و مبنای ایجاد عقاید آنها شاید مختلف باشد با طرز فکری که من دارم و بیانی که برای اخذ نتیجه و اخذ عقیده دارم امروز را یک روز عیدی برای خودم و ملت ایران فرض میکنم و قطع دارم که امروز از نقطه نظر سعادت و سیادت و اقتصاد برای ما یک روز میمون و مبارکی است و ایافت و شایستگی دارد که بایکدیگر تبریک بگوئیم ( افسر - به این فصل هم نیست ) ( فیرز آبادی - افراط و تفریط است ) بهر صورت از این مقدمه میگذرم بجهت اینکه شرح این

مقدمه را که بنده خواستم عرض کنم له و علیهش را حلاجی کرده اند و گفته اند بنا بر این مقدمه از این مقدمه میگذرم . اما توضیحی که در اینماده در دو جایش میخواهم اولش این است تقاضا دارم که عطف نظری بفرمایند توجه بفرمایند در قسمت اول این ماده راجع بحکمیت ذکر میشود که هر يك از طرفین در ظرف مدتی که از سه ماه نباید تجاوز بکند حکم خود را معین خواهد نمود بنا بر این مقدمه فوق که هر نوع اختلافی که بین دولت و بانک بروز کند و بین خودشان بخوشی حل نشود بتقاضای هر يك از طرفین به حکمیت مراجعه خواهد شد . توضیح مختصر اولیه ام راجع باین قسمت این است که آیا این حکمیت شامل این ضمیمه معین است یا شامل تمام امتیاز اصل امتیاز و ضمایم اربعه آن است ؟ این ضمیمه ضمیمه پنجمی این امتیاز است این حکمیت عطف می شود بتمام آن یا خیر عطف می شود باین ضمیمه پنجم ؟ این توضیح اول است . در توضیح ثانی عرض من این است که موافق ذیل ماده ده اصل امتیاز نامه يك قرار ارجاع بحکمیتی دارد در اختلافات حاصله بین مؤسسه بانک و افراد مردم که آنهم يك طرزی دارد و در ضمن این ماده و قطع دارم و عمل هم قطع من را ثابت کرده است که اولاً پس از الغاء امتیازات خصوصی که به کاپیتولاسیون منحوس بقول آقای وزیر عدلیه تعبیر میشود قبل از اینکه این مسائل هم در ایران بشود هیچگاه من در نظر ندارم و سابقه ندارد که مؤسسه بانک در اینطور چیزها به حکمیت مراجعه کرده باشد بلکه آنچه را که من در خاطر دارم همیشه مراجعه شده است بمبادی صالحتری خاصه پس از آنکه ابطال شد آن مقدمات در مملکت شاهنشاهی ایران آنچه را که من سابقه عملی دارم مؤسسه بانک هم آن مسئله را يك مسئله باطل شده فرض کرد و در تمام جزئی و کلی کارها مراجعه میکرد بمبادی صالحتری که محاکم صالحه دولت شاهنشاهی

ایران باشد و حالا هم قطع دارم که از این معنی نخواند نمیکند ولی من باب تأکید ( هر چه در این موقع تا کیدش زیاد تر باشد خیال میکنم ضررش کمتر و نفعش بیشتر میشود ) من میل دارم که دولت وقت و آقای وزیر عدلیه توضیح بیشتری در این خصوص بفرمایند که پس از ابطال آن مقررات آیا دیگر مجالی برای خاطر ذیل ماده ده باقی هست یا باقی نیست . ( باسالی - خیر باقی نیست ) این توضیحی بود که من میخواهم وزیر عدلیه - در دو قسمت جواب بنده خیل مختصر و ساده خواهد بود اما راجع به قسمت حکمیت که آیا مربوط باین ضمیمه است یا راجع باصل امتیاز و ضمایم چهارگانه که قبل از این بوده و خود این . عرض کنم راجع بکلیه اختلافاتی که مربوط باصل امتیاز و ضمایم چهارگانه و این ضمیمه است و این از خود ماده هم بیرون میآید و اصل هم بنده عبارت را قابل و محتاج توضیح نمیدانم . اما در قسمت دوم که میفرمایند این مطلبی را که بهش اشاره فرمودند ماده ده و همینطور یکی از اصول ضمایم آنرا که پیش بینی حکمیت کرده است در مورد دعوی بین افراد و بانک و اختلاف دولت با بانک اما آنچه راجع بقسمت دولت با بانک است گفته شد قسمت دوم عمل صرف نظر از اینکه بانک آیا سابقاً هم هیچوقت مربوط است و از این حق استفاده میکرد است یا نمیکرده است بهیچوجه داخل در آن نمیشوم يك قسم امتیاز قضائی بود که بیانك داده شده بود ولی از آنروزی که دولت ایران تصمیم گرفت که هیچگونه امتیاز قضائی از برک احدی از اتباع خارجه نشناسد ( صحیح است ) و این مؤسسات خارجی در ایران و مؤسسات اتباع خارجه مطیع محاکم ما هستند از آنروز اصلاً دیگر همان اختلاف را که کرد و بموجب عهودی که آن امتیازات بود آنها را بهم زد و هر قسم چیز دیگری که یکی از اتباع خارجه بدون هیچ استثناء يك امتیاز قضائی داشتند آن از بین رفته است ( صحیح است ) و دولت دیگر اصلاً محتاج

بذکر این نبوده است . این بوده است که آمده است در جنبه آنچه که باقی مانده بود که مسئله حکمیت بین دولت و بانک باشد آن را پیش بینی کرده است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - ماده چهارم قرائت میشود : ماده چهارم - نظر باینکه نمایندگان مختار بانک اعلام نمودند که امضاء آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات این قرار نامه میدهد و آن اندازه که مطلب مربوط باینک است اولیاء امور بانک محتاج نیستند آنرا بهیچ نوع تصویب دیگری برسانند لهذا این قرار نامه پس از تصویب مجلس شورای ملی که تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۹ باید انجام گیرد دارای اعتبار خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - اینجا همان مسئله است اگر چه آقای وزیر عدلیه در جواب آقای فرخی بیان کردند که اینچنین است این يك موضوعی است گر چه در خارج هم که صحبت کردیم و به شبهه شد خواستم عرض کنم اینجا نوشته است : نظر باینکه نمایندگان مختار بانک اعلام نمودند که امضای آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات این قرار نامه میدهد و آن اندازه که مطلب مربوط به بانک است اولیای امور بانک محتاج نیستند آنرا بهیچ نوع تصویب دیگری برسانند اینجا چون آقای دکتر حسن خان هم با بنده صحبت کردند بنده هم چون یکقدری عبارت را کشك دیدم این است که در مقام توضیح از حضرت عالی برآمدم مینویسد : آن اندازه که مطلب راجع به بانک است . در نظراتان هست عبارتی که در ماده قید میشود يك دفعه قید توضیحی است یکدفعه قید احترازی است . قید توضیحی است یعنی همان بانک در مسئله که راجع به بانک است مرجع است غیر از این نیست . یعنی دیگر مرجعی غیر از بانک نسبت باو نیست . ونسبت با ایران اگر مرجعی است باید برگردد . یکمرتبه هم این است که از این روی این میاید که نه مطلبی که راجع به بانک است

دونا است یکی مسئله راجع باقتصادی است یکی مسئله راجع به سیاسی است ( بعضی از نمایندگان - نه آقا این طور نیست چته سیاسی ندارد ) سؤال میکنم آقا الله اکبر آقا توضیح میدهم جهت اقتصادیش این بود که امضا شد ولی جهت سیاسیش بیك جای دیگر مربوط است چون این عبارت یکقدری کش دارد توضیح خواستم . وزیر عدلیه - اینجا است که بنده انتقام خودم را از آقای آقا سید یعقوب نماینده محترم در بعضی عباراتشان که اعلم العلماء میگویند باید بگیریم . اگر ایشان هم مثل بنده اعلم العلماء بودند و فرانسه این را دیده بودند ایشان میدیدند که این مسئله هیچ باعث این نگرانی ها نباید بشود جنبه سیاسی و جنبه اقتصادی ! و اگر آقایان بخوانند ممکن است پیشنهاد کنند این عبارت برداشته شود . در عبارت فرانسه که تحت اللفظ ترجمه شده است يك عبارتی است که تحت اللفظ ترجمه شده و ضرورت هم ندارد در فارسی سیاق کلمه ما ضرورت ندارد و لازم نیست . حالا بنده مطلب را عرض میکنم دو طرف هست که این قرار داد را امضا میکند یکطرف قرار نامه بانک است يك طرف دیگر دولت بانک وقتی که نماینده هایش امضا کردند گفتند و البته اسناد و مدارك خودشان را هم نشان دادند که محتاج نیست امضای آنها در جای دیگر تصویب بشود تا آنکه معامله وقوع پیدا کند . پس بلافاصله بعد از آنکه امضا کردند از طرف خودشان متمهد شدند درست . و البته شرط هم شد که دولت ایران در ظرف مدت معینی باید تکلیف آنها معین کند که از مجلس بگذرانند . اما مجلس شورای ملی بایستی اینرا تصویب بکند تا وقتی که از طرف دولت ایران قطعی بشود این دو طرف این قرارداد . این است که میگوید : نظر باینکه نمایندگان مختار بانک اعلام نمودند که امضای آنها اعتبار قانونی و قطعی بمقررات این قرار نامه میدهد و آن اندازه که مطلب مربوط به بانک است اولیای امور بانک محتاج نیستند آنرا بهیچ نوع تصویب دیگری برسانند . یعنی آنها از طرف خودشان احتیاج ندارند

و اینطرف فقط احتیاج دارد پس لهذا این قرار نامه پس از تصویب مجلس شورای ملی الی آخر . حالا اگر شما این را لازم میدانید پیشنهاد کنید و اصل فرانسه اش میماند و معنای فرانسه اش عبارت از این است که از آن طرف از روزی که امضا کند امضایشان قطعی است و البته شرط کردند ما هم بیاوریم اینجا مجلس شورای ملی تصویب کند تا ما بتوانیم امضا کنیم و این عبارت تحت اللفظی وقتی بفارسی در آمده است این شده است و الا نه این يك جنبه خاصی دارد و نه بانك يك جنبه اقتصادی و يك جنبه سیاسی . بانك يك مؤسسه تجارتي و صرافی است در ایران و بالاخره يك مؤسسه اقتصادی است در ایران و ما با آن مؤسسه اقتصادی قرار گذاشتیم باین ترتیب که ملاحظه میفرمائید و عبارت هم هیچ چیز در هم مبهمی ندارد که امضای طرف محتاج باین نیست که جای دیگر تصویب بشود علت آنرا هم عرض میکنم علت آن این است که در بعضی شرکت ها بایستی وقتی يك چیزی را تعهد میکنند بپردازند به مجمع عمومی شان رجوع بکنند برای این است که دولت خواسته است اینجا محکم کاری کند از جهت اینکه وقتی که امضاء میکنند تکلیف بعدش را معلوم کند نمایندگان بانك گفتند بموجب اساس نامه شرکت خودمان یعنی اساس نامه بانك ما احتیاج نداریم که به مجمع عمومی ببریم وقتی ما باین اختیار اینکه از طرف هیئت مدیره داریم آمدم اینرا امضا کردیم دیگر امضای ما معتبر است و کافی است و ما گفتیم بسیار خوب همین را بنویسید که جای دیگر حق نداشته باشد امضا و تصدیق کند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای دکتر عظیمی

مقام منبع ریاست مجلس : بنده پیشنهاد میکنم که این جمله از ماده چهار « آن اندازه که مطلب مربوط بیانك است » حذف شود زیرا ایجاد يك سوء تفاهمی مینماید و در حذف آنهم تغییری در معنی داده نمیشود .

پیشنهاد آقای شریعت زاده  
اینجانب ماده واحده ذیل را پیشنهاد میکنم  
ماده واحده - دولت مجاز است مواد چهارم و پنجم منضمه باین قانون را بعنوان ضمیمه نمره ۵ اعتبارنامه بانك شاهنشاهی ایران با بانك مزبور مبادله نماید

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم که عبارت و آن اندازه که مطالب الی آخر حذف شود و همچنین کله باید حذف شود  
رئیس - رأی میگیریم برود در شور دوه آقایانکه تصویب میکنند قیام فرمائید ( اکثر قیام نمودند )  
تصویب شد

[ ۳ - تقاضای اضافه اعتبار برای تعمیر مقبره فردوسی ]

رئیس - آقای ارباب کیخسرو مطلبی داشتند ؟  
ارباب کیخسرو - اگر چه مطلبی را که بنده بخوام عرض کنم خاطر اغلب آقایان محترم مستحضر است و بطوریکه اطلاع دارند در تیر ماه ۱۳۰۶ شرحی اینجا راجع به مقبره فردوسی عرض شد و مجلس شورای ملی هم در ۲۹ تیر ماه ۱۳۰۶ بیست هزار تومان اعتبار داد که صرفه جوئی مجلس کمک بشود به ساختن مقبره فردوسی در آن موقع تصور شد بیست هزار تومان با وجوهی که انجمن آثار ملی جمع آوری کرده بود کافی است برای ساختمان مقبره از نقطه نظر نقشه که در آنوقت تهیه شده بود بعد ها نظر دیگر گرفته شد که يك تجدید نظری در نقشه بشود تجدید نظر در نقشه شد و نقشه توسط مستر گذار آن کسی که مستخدم دولت است تهیه شد و از روی آن نقشه شروع ساختمان کردند از روی این نقشه متدرجا در عمل معالوم شد که آن مقبره که در نظر گرفته شده است از مقدمات عالی و انجمن آثار ملی که تا اندازه در واقع درخور شأن فردوسی باشد و از طرف ملت بخواد قدر دانی بشود شصت هزار تومان تمام میشود با وجوهی که جمع آوری شده بود حساب کردیم به حدود بین بیست و شش و بیست

هزار تومان بود تا بحال بمحدود بیست و یک هزار تومانش محل رسانیده شده است که در حدود تقریباً نوزده هزار تومان تا بحال خرج شده است خرج آنجا بتوسط کمیسیون میشود که آن هیئت همیشه تشکیل میشوند در تحت ریاست والی قسمت عمده آن در تحت نظر آقای جمعی والی آنجا بوده است قسمتی هم در تحت ریاست آقای شریعت زاده در موقعی که والی بوده اند بعدها باز همینچنین ترتیب و البته قسمت اعظم این زحمت را آقای اسدی بجا میآورد متحمل شده اند و بنده هم بسهم خودم خیلی تشکر میکنم از ایشان و بعد که باین برخوردند برای جبران این در نظر گرفته شد که بقیه اش را هم باید تهیه کنند که بدواری است تا باینجا امسال مقبره تمام بشود ( اورنگ شاهانه ) مقبره خودش ساختمان خیلی محکم است بطوریکه اگر با آن شعری که خود فردوسی گفته است که آن اساس تاریخی او هیچوقت از هیچ باد و بارانی تزلزل نخواهد شد آنهم حتی المقدور يك چیزی باشد که سالها دوام کند ( اورنگ - زبادو زباران نیاید ) تمام از سنگ مرمر و سنگهای مخصوص خراسان

است و در کمال استحکام نقشه ریزی آن شده است برای تهیه نقشه پول آن اینچنین در نظر گرفته شده است که در حدود بیست هزار تومانش را مقامات عالییه تادیه بکنند ده هزار تومان هم در نظر گرفته شده است که باز استدعا بشود از مجلس شورای ملی که از صرفه جوئی های خودش اختصاص بدهد کمک باین کار بشود که اینکار خاتمه پیدا بکند از این جهت پیشنهادی از برای این ده هزار تومان که بامضای هفتاد نفر از آقایان نمایندگان است تقدیم میشود زودتر ترتیب آنرا بدهند که هر چه زودتر این کار مطابق دلخواه انجام بشود ( صحیح است )

[ ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر اجازه بفرمائید جلسه آینده سه شنبه ششم خرداد ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور شور ثانی لایحه بانك

[ مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد ]

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر